



انترناسیونال ۳۹۰

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۳ اسفند ۱۳۸۹، ۴ مارس ۲۰۱۱

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه

سه شنبه ۱۷ اسفند، روز جهانی زن با تمام

قوا به خیابان میآیم

مردم ایران عزم جزم کرده اند جمهوری اسلامی را در هم شکنند. ۱۷ اسفند مصادف با ۸ مارس روز جهانی زن را میثوتائیم به یک روز تاریخی و بزرگ در سیر سرنگونی رژیم و در دفاع از حقوق زنان تبدیل کنیم. این رژیم است با کارنامه

پیش بسوی سرنگونی رژیم زن ستیز اسلامی

حکومتها آماده میشوند. حکومت اسلامی ایران، ضد زن ترین حکومت در دنیای امروز است. این حکومت بطور مستقیم در سرنوشت زنان در افغانستان و عراق و سوریه و عربستان و ترکیه و... نقش به عمر وحشی ترین و ضد زن ترین

انتخابات مجلس خبرگان و وضعیت بهم ریخته حکومت!

به میدان آزادی، صف نیروهای سرکوبگر را بشکنند، به همدیگر پیوندند و انقلاب را تا از کار انداختن دستگاههای سرکوب و قدرت تا در کوچه ها و خیابانهای منتهی

زنده باد انقلاب، زنده باد هشت مارس

صفحه ۱۲

بازتاب هفته

انقلاب در لیبی، تأکیدی دیگر بر شکوه انقلاب

یاشار سهندی

افزایش ۵۵ هزار نفری زندانیان در ۱۸ ماه گذشته!

محمد شکوهی

جنبش انقلابی مردم لیبی و نگرانی های دولت ایتالیا

بهرز مهر آبادی

جنایتی تازه با توسل به قانون ضد "کفر گویی" در پاکستان

بهرز مهر آبادی

صفحات ۵-۴

درد سر روز جهانی زن

برای شیرین عبادی و شرکا

شهلا دانشفر

بگشایند. درد سر این است که چگونه روزی را که اساسا و تاریخا و همیشه رادیکال و ضد ارتجاع و زن ستیزی بوده است، با سیاست وایدیولوژی ارتجاعی و اسلامی خود پیوند بزنند و کسی متوجه

معنای سرنگونی جمهوری اسلامی

حسن صالحی در دور نوین اعتراضات مردم ایران شعارها بدرست علییه خامنه ای نشانه رفته است. و این کاملا قابل فهم است چرا که خامنه ای نماد اصلی این حکومت است و رئیس دزدان و آدمکشان! مردم

ارزیابی تظاهرات ۱۰ اسفند ۸۹

گامی مهم در سرنگونی رژیم اسلامی!، صفحه ۶

صفحات دیگر

آدم ربائی احزاب حاکم در کردستان عراق را محکوم میکنیم
صفحه ۱۲

به بگیر و ببندهای سرکوبگران رژیم متحدانده اعتراض کنید
شعری از غاده السمان، شاعر پرآوازه از سوریه، صفحه ۱۱

۸ مارس در خارج کشور، سفارتخانه های جمهوری

اسلامی باید بسته شود، صفحه ۱۰

تجمع اعتراضی کارگران کیان تایر، صفحه ۹
رضا شهابی را در ۱۵ اسفند محاکمه خواهند کرد، صفحه ۹

به خانواده های زندانیان سیاسی پیوندیم، صفحه ۹
اولتیماتوم دانشجویان شهر سلیمانیه، صفحه ۸

اعتصاب کارگران پیمانی پتروشیمی تبریز، صفحه ۸
اعتصاب کارگران پرهون سندنجد، صفحه ۸

سفارتخانه ها و کنسولگریهای رژیم.....، صفحه ۷
در مورد تظاهرات در سه ۳شنبه آتی:

صفحه ۷



قدرت مردم و مساله رهبری حزبی در انقلابات عصر اینترنت

حمید تقوایی

انقلابات جاری فاکتور قدرت مردم را در یکی از فقرزده و اختناقزده ترین و در عین حال بحرانی و پرتلاطم ترین مناطق جهان یعنی در شمال آفریقا و خاورمیانه به یک عامل مهم و تعیین کننده در سیاست بدل کرده است. در منطقه ای که در دو دهه اخیر میدان یکه تازی نیروهای اسلامی و آزمایشگاهی برای میلیتاریسم "نظم نوینی" دولت آمریکا و هم پیمانانش در کمپ سرمایه داری بازار آزاد بوده است. با امواج انقلابی که کشورهای این منطقه را در مینوردد نیروی توده های مردم محروم و زحمتکش، مردمی که تا کنون ملعبه دست و قربانی دولتها و نیروهای اسلامی- قومی و دموکراسی چکمه پوش نظم نوینی بوده اند، وارد صحنه میشوند و همه عوامل سیاسی دیگر را تابع و دنباله رو خود میکنند. در تونس و مصر مردم دیکتاتورها را فراری داده اند اما آرام نگرفته اند و ارتجاع حاکم در قالب "دولتهای دوره گذار" را بجالش میکشند؛ در لیبی مردم بخش عمده کشور را آزاد کرده اند و خود را برای یک مقابله نظامی تمام عیار با مزدوران قذافی و آزاد ساختن طرابلس پایتخت آماده میکنند؛ در یمن و بحرین اعتراضات توده ای مردم گسترده تر میشود و پیگیر و سازش ناپذیر به پیش میرود؛ در کویت و اردن و

صفحه ۲

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن!

قدرت مردم و مساله رهبری ...

از صفحه ۱
حمید تقوایی



الجزایر ومراکش و عربستان سعودی و همچنین در عراق، این حکومت دست ساز و دموکراسی نظم نویسی دولت آمریکا و هم پیمانانش، همه جا انقلاب در حال شکلگیری و جمع آوری نیرو است.

این حرکت عظیم در تاریخ جهان بیسابقه و کاملاً خود ویژه است. این نقطه عطفی است که ختم یکی از سیاهترین دوره های تاریخ معاصر جهان، دوره یکه تازی سرمایه داری بازار آزاد و توحش نیروهای هار ملی - قومی - مذهبی ماحصل آن در بیست ساله اخیر، را اعلام میکند. و افق و چشم انداز کاملاً نوین و امید بخشی را در برابر این منطقه و کل جهان قرار میدهد. اما ویژگی این تحول بیش از هر چیز در نقش تعیین کننده ای است که توده مردم، مردم بی سازمان و تحزب نیافته ای که دهها سال تحت سلطه سرکوبگرترین دیکتاتوریها از کوچکترین حق تشکل و تحزب و اعتراض و کلا هر نوع اعلام وجود سیاسی محروم بوده اند، در ایجاد و شکل دادن به این موج انقلابی ایفا میکنند. فاکتور قدرت مردم که عامل مهمی در همه انقلابات در تمام طول تاریخ بوده است اینجا به شکل مستقیم و بیواسطه و بسیار برجسته تر و موثر تر از انقلابات گذشته در کانون و در محور تحولات قرار گرفته است. در این انقلابات توده مردم نه تنها بعنوان نیروی محرکه و موتور پیش برنده تغییر و تحول - که بنا به تعریف وجه مشترک همه انقلابها است - بلکه نیروی مردم بعنوان سازمانده و رهبری عملی انقلاب نقش موثر و تعیین کننده ای ایفا میکنند. و این ویژگی منحصر به فرد این تحولات است.

فقدان رهبری حزبی و خودسازماندهی انقلابات

در هیچیک از انقلابات جاری تا کنون حزب و یا شخصیتی در صندلی رهبری قرار نداشته است با اینهمه در تونس و مصر انقلاب توانسته است دیکتاتورها را فراری بدهد و جانشین دیکتاتورها را به

چالش بکشد و به عقب نشینی وادار کند، در لیبی شهرها و منطقه وسیعی را آزاد کند و اداره امور شهرهای آزاد شده را بدست بگیرد و حتی به مقابله نظامی با ارتش مزدوران حکومتی پردازد. در سایر کشورهای منطقه نظیر یمن و بحرین نیز اعتراضات توده ای بدون رهبری معین و شناخته شده ای در حال گسترش و پیشروی است.

این خودسازماندهی، این آغاز و تداوم انقلاب، و در مورد تونس و مصر کسب اولین و در عین حال تعیین کننده ترین موفقیت برای پیشروهای بعدی، یعنی فراری دادن دیکتاتور، قبل از هر چیز حاصل انقلاب در تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات جمعی است. امروز تلویزیونهای ماهواره ای، شبکه های اینترنتی و تلفن موبایل همه ابعاد زندگی از جمله سازماندهی و مکانیسمهای انقلاب را تماماً متحول کرده است. این مدیای اجتماعی که مدیای آلترناتیو نیز خوانده میشود، از دو جنبه شکلگیری و روند پیشروی انقلابها را متحول کرده است.

جنبه اول اشتراك اطلاعات و خودگزارشدهی انقلابات است. اینترنت و تلفن موبایل کلا در عرصه انتشار اخبار و از جمله و بخصوص در انتشار اخبار اعتراضات توده ای انحصار دولتها و مدیای رسمی مثل رویتر و آسوشیئد پرس و بی بی سی و سی ان ان را در هم شکسته است. دیگر مهندسی افکار و تصویر سازی دلخواهی و مغرضانه و سانسور و دروغپردازی و حتی تا حدی حفظ اسرار دیپلماتیک - نظامی بوسیله دولتها - مورد ویکلی لیکس - اگر غیرممکن نشده باشد بسیار دشوار شده است. دنیا بدهکده جهانی ای تبدیل شده که مردم در چارگوشه آن مستقیماً و بدون واسطه دولتها و رسانه هایشان از آنچه میگذرد با خبر میشوند و یکدیگر را با خبر میکنند. امروز هر عضو جامعه یک

خبرنگار و یک گزارشگر کتبی - صوتی - تصویری است و تجربه و مشاهدات و اطلاعات خود را با هزاران هزار نفر دیگر در میان میگذارد. این تجربه مشترک از یکسو سطح انتظارات و توقعات مردم از زندگی را ارتقا میدهد و خواستها و آرزوهایشان را یکسان و به امری جهانشمول تبدیل میکند و از سوی دیگر باعث میشود که هر مبارزه و حرکت اعتراضی مردم در هر جامعه، در یک صحنه جهانی یعنی در برابر چشمان همه شهروندان دنیا اتفاق بیفتد. بدون این خود گزارشدهی و بدون این اشتراك در تجربه هر روزه، انقلابات اخیر از انقلاب ناتمام ۸۸ ایران تا تونس و مصر و لیبی و دیگر کشورها، یا اساساً شکل نیگرفت و یا در نطفه خفه میشد و به چنین موج عظیمی تبدیل نمیشد. اگر امروز حتی دولتهای غربی که خود حامی و حافظ و معمار دیکتاتوریهایی سرنگون شده و یا در حال سرنگونی بوده اند ناکزیر اند خود را دوست مردم و حامی تغییر و تحولات قلمداد کنند، اساساً بخاطر اینست که کنترل خود بر اخبار و اطلاعات و توان مهندسی افکار را از دست داده اند. در غیاب شبکه های اینترنتی و خود گزارشدهی مردم، دول غرب و کل بورژوازی جهانی با چنگ و دندان از رژیمهای در معرض انقلاب قرار گرفته حمایت میکرد. و حرکتهای اعتراضی و انقلابی توده مردم را با سرکوب و کودتا پاسخ میگفت. امروز دیگر کودتاهایی از نوع کودتای شعبان بی مخها و پینوشه ها و خونشاهای نظامی در ده ها کشور آمریکای لاتین بسیار مشکل شده است. چرا که مردم جهان به سرعت و در حین ارتکاب جنایت توسط حاکمین، یکدیگر را از کل ماجرا با خبر میکنند و امکان مسکوت گذاشتن و یا تحریف حقیقت را از جانیان سلب میکنند.

جنبه دیگر نقش شبکه های اجتماعی در خودسازماندهی است. شبکه های اینترنتی توده مردم و فعالین جنبشهای اعتراضی را در مقیاس میلیونی بیکدیگر وصل میکند و امکان نه تنها هم نظر و هم فکر شدن بلکه همراه و همگام شدن را

در یک مقیاس عظیم اجتماعی فراهم می آورد. سازماندهی تظاهرات ده ها میلیون نفره مردم جهان در مقطع حمله آمریکا به عراق در سال ۹۳ و سازماندهی دیگر تظاهرات جهانی علیه اتی گلوبالیزاسیون و اساساً به یمن اینترنت و با اتکا به شبکه های مدیای اجتماعی صورت گرفت. در انقلابهای اخیر نیز اینترنت واقعیت چنان بارز است که مدیای رسمی و مفسران و صاحب نظران سیاسی انقلاب ۸۸ ایران و همچنین انقلاب مصر را انقلاب اینترنتی خواندند و یک بلاگ نویس و فعال اینترنتی نظیر وائل غنیم به یک چهره شاخص جهانی در انقلاب مصر تبدیل شد.

رهبری انقلاب و مساله الرئائیتو قدرت

این دو جنبه خودگزارشدهی و خودسازمانگری که اساساً به یمن شبکه مدیای اجتماعی امکانپذیر شده است امر رهبری این انقلاب را کلا بر پلاتفرم و زمینه و پایه های تازه ای قرار میدهد. از یکسو تلاطمهای اجتماعی در نظامهای دیکتاتوری که قبلاً در غیاب عنصر رهبری حداکثر میتوانستند به شکل عصیانهای و انفجارات اجتماعی بروز پیدا کنند و فوراً سرکوب بشوند، شکل انقلاب به خود میگیرند و حتی در بر آورده کردن اهداف فوریشان موفق میشوند. از سوی دیگر علیرغم این پیشرویهی مساله همه انقلابات یعنی وجود یک آلترناتیو که بتواند جانشین قدرت سرنگون شده بشود همچنان بی پاسخ میماند و این امر تحولات جاری را با خطر تحریف، سقط شدن و نهایتاً شکست نهایی مواجه میکند. اینطور به نظر میرسد که تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطاتی انقلابها را با رشد زودرس و یا غیر طبیعی مواجه ساخته - همانطور که مهندسی ژنتیک محصولات غذایی را به نحو غیر طبیعی رشد داده - و به نحوی موجب شده انقلاب از پیش شرطهایی نظیر شکل گیری و دخالتگری یک حزب و یا نیروی سیاسی رهبری کننده که تاکنون فرض میشد لازمه خیزشهای انقلابی است جلو بزند □ دیکتاتور را قبل از آنکه

آلترناتیویش را داشته باشد سرنگون کند، و لذا نطفه شکست را از همان ابتدا با خود حمل کند. اما این تعبیر سطحی ای از مساله است. آنچه حتی در این سطح نقطه ضعف انقلابیای جاری به نظر میرسد در واقع نقطه قوت آنها است. اینترنت و شبکه های مدیای اجتماعی، برخلاف مهندسی ژنتیک، سلولهای جامعه را دستکاری و دفرمه نکرده اند، بلکه صرفاً آحاد مردم را بیکدیگر نزدیکتر کرده اند. به مردم همدر امکان داده اند هم نظر و همجهت و همگام بشوند و در یک مقیاس وسیع اجتماعی متشکل بشوند و سازمان پیدا کنند و به یک اقدام مشترک دست بزنند: به اعتراض و انقلاب. تکنولوژی ارتباطات اینترنتی ابزاری است که شبکه ارتباطات اجتماعی را سازمان میدهد اما سازمان دهندگان و سازمانیافتگان خود مردم اند. مردمان عادی جامعه، کارگر و معلم و دانشجو و زن خانه دار، که برای تحقق آرمان و خواستهای مشترکشان و علیه دشمن مشترکشان با یکدیگر همراه و همرزم شده اند و بیدان آمده اند. این فاکتور نه آلترناتیو رهبری سیاسی انقلاب است و نه رقیب آن. بر عکس برای احزاب و نیروهای انقلابی این درجه از خود سازماندهی راه رهبری سیاسی انقلاب و به پیروزی رساندن آنرا بمراتب هموار و تسهیل میکند.

تا آنجا که به مساله آلترناتیو قدرت سیاسی مربوط میشود خود سازماندهی بیسابقه مردم در روند انقلاب خود زمینه واقعی شکل گیری ارگانهای اعمال اراده و حاکمیت مردم را فراهم میکند و این برای انقلابیون کمونیست که هدف سازمانیافتن خود مردم بعنوان دولت را دنبال میکنند یک گام بزرگ و تعیین کننده به پیش محسوب میشود. من در نوشته "مساله خلاء قدرت و نسخه گذار به دمکراسی" (انترناسیونال شماره قبل) نیز توضیح دادم که اینترنت در واقع امکان دخالتگری مردم نه صرفاً در شکل دادن به انقلاب بلکه در اداره جامعه را نیز بمراتب تسهیل کرده است و این ارگانهای توده ای سازمانیافته و مرتبط با یکدیگر در شبکه های مدیای اجتماعی در واقع

درد سر روز جهانی زن ...

از صفحه ۱
شهلا دانشفر

نشود. شیرین عبادی هم به مناسبت روز جهانی زن پیامی داده است و عنوان پیامش کل معضل و تقلائی نامیمون ایشان را برملا میکند. عنوان پیام ایشان برای روز جهانی زن "زنان و قانون اساسی" است! واقعا مضحك و شرم آور نیست؟ او در این پیام از اصلاح موادی از قانون اساسی جمهوری اسلامی بعنوان "حرکتی مدنی" و نه البته "خواستی سیاسی" برای دسترسی به حقوق برابر زنان سخن میگوید! شیرین عبادی در این پیام اشاره کرده است که روز جهانی امسال ویژه است. این نکته درستی است و اعترافی است به اینکه امسال در ایران هشت مارس روزی در ادامه روزهای انقلاب و اعتراضات وسیع مردم است که از سوی جوانان و همه مردم آزادیخواه فراخوانش داده شده است و ایشان از همین بیم دارد. بیم دارد چون دور جدید خیزش انقلابی مردم را میبیند که مردم مصمم با الهام از انقلابات در منطقه، به خیابانها میریزند و شعار مرگ بر دیکتاتور سر میدهند. بدین ترتیب شیرین عبادی همچنان همچون ترمز انقلاب جلوی جنبش آزادی زن و انقلاب مردم ایستاده است و دارد از اصلاح قانون اساسی و حفظ این رژیم و مبارزه مدنی سخن میگوید. همانطور که در سال گذشته نیز او این نقش خود را بخوبی بازی کرد و درست در شرایطی که مردم کوچه به کوچه با این رژیم میجنگیدند و شعار مرگ بر دیکتاتور سر میدادند، رهنمودش به مردم این بود که حتی اگر با تانک هم بسوی شما حمله ور شدند، یک سنگ هم بطرف سرکوبگران این حکومت پرتاب نکنید. و همه کس میدانند که در کف خیابانها چقدر این پیام ایشان عملی شد. پاسخ ما مردم به امثال شیرین عبادی ها اینست که اجازه نمیدهم مقابل جنبش ما بایستید. پاسخ ما مردم سرنگونی طلب، سرنگونی این رژیم با قانون اساسی اش و با همه قوانین ضد زنش است. قانون اساسی جمهوری اسلامی بنیادهای این حکومت آپارتاید جنسی را ساخته است. حق دیه، حق

بند و باری می افتد. چون به زعم این حضرات این زن است که منشا "فساد و بی بند و باری" است. شیرین عبادی هم از همین قماش است و همواره هر گاه به یاد حقوق زن در این جامعه افتاده است، یک دغدغه اش رواج "بی بند و باری" در جامعه بوده است و در این پیام نیز با گفتن اینکه زنان ایران "طالب بی بند و باری نیستند"، مرز خود را مثل همیشه روشن کرده است. پیام شیرین عبادی بطور واقعی ربطی به روز زن و برابری زن و مرد ندارد. پیام شیرین عبادی تلاشی است برای حفظ ساختارهای حکومت اسلامی و آشکارا در تقابل با جنبش انقلابی مردم و رهایی زن است. پلانفرم شیرین عبادی تلاشی برای اصلاح این حکومت و قوانینش است. آنهم در شرایطی که صدای انقلاب را خامنه ای و دم و دستگاهش مدتهاست شنیده اند. نشی پلانفرم ما مردم برای روز جهانی زن سرنگونی این حکومت ضد زن با قانون اساسی و همه قوانین ارتجاعی اسلامی اش است. پلانفرم ما مردم برای روز جهانی زن، برابری زن و مرد و لغو همه قوانین ضد زن جمهوری اسلامی است. ما زنان همه آن چیزهایی را که شیرین عبادی بی بند و باری میخواند یعنی آزادی پوشش، لغو حجاب، آزادی همه جانبه و نامحدود زنان را دقیقاً میخواهیم. برای همین سی سال است جنگیده ایم و انقلاب علیه جمهوری اسلامی برای به گور سپردن همه آن سنتهایی است که آزادی زنان را بی بندوباری میخواند. پلانفرم ما بزیر کشیدن کل جمهوری اسلامی و به زباله دان ریختن کل قوانین و سنتهایش از جمله همین قانون اساسی ای است که شیرین عبادی با شنیدن صدای انقلاب مردم میخواهد اصلاح کند. در روز جهانی زن باید انقلاب را یک گام اساسی به پیش بریم. مرگ بر این حکومت ضد زن را فریاد بزیم. آزادی زندانیان سیاسی را فریاد بزیم. و لغو کامل آپارتاید و جدا سازی جنسیتی و لغو قوانین اعدام و سنگسار و قصاص را با صدای رسا تاکید کنیم. این پاسخ به جمهوری اسلامی و همه نیروها و جریاناتی است که میخواهند پایه های نظام کثیف اسلامی را حفظ کنند. *

قدرت مردم و مساله رهبری ...

پاسخ عملی و واقعی کمونیستها و توده مردم به مساله خلا قدرت و تکنراتیو انقلابی رژیم سرنگون شده است.

نقش رهبری حزبی

اما نقش حزب و نیروهای سیاسی چه میشود؟ به نظر من تسهیل سازمان یافتن انقلاب و خود سازمانگری مردم بیش از پیش نقش رهبری سیاسی احزاب و نیروها را برجسته و تعیین کننده میکند. انقلاب خط و افق و جهت میخواهد. انقلاب باید تعیین پیدا کند، دست به ریشه ببرد و نقد و اعتراض به وضع موجود را تعمیق کند و بسط بدهد و این نقد و اعتراض را شفاف و روشن و صریح و پیگیر بیان و اعلام کند. اینها همه در گرو رهبری سیاسی انقلاب است. رهبری سیاسی که قبل از هر چیز ایده اعمال قدرت توده مردم، ایده متشکل شدن مردم در مبارزه و در دل انقلاب، و متشکل ماندن مردم پس از پیروزی انقلاب و در هیات ارگانهای اداره امور جامعه، و شعار "تمام قدرت به شوراها" را بمیان جامعه ببرد و رهبر و آلترناتیو و نماینده مردم در امر انقلاب، در دوره انتقال قدرت، و در دوره تثبیت قدرت مردم باشد. حتی اگر شوراها در مقیاس وسیعی به شکل خودبخودی شکل بگیرند- همانطور که در انقلاب ۵۷ چنین شد- باز این جهتگیری و اهداف سیاسی و تصمیمات عملی شورا ها است که تضمین کننده پیروزی مردم و تحقق آزادی و برابری و رهایی کل جامعه است. و این مضمون و اهداف سیاسی تماما تابعی است از پراتیک و عملکرد احزاب در دل این شوراها. در یک سطح پایه ای باید گفت سازمانیابی وسیع مردم به کمک تکنولوژی ارتباطاتی در واقع اشکال اولیه یک جامعه کمونی، جامعه سازمانیافته برای اداره خود، را نیز در بر دارد و ازینرو عملا آلترناتیو کمونیستها برای رهایی جامعه بشری در در چشم انداز قرار میدهد. از نظر سازمانی برای احزاب کمونیست انقلابی مانند حزب ما که هم در استراتژی و هم در تاکتیکهایشان فاکتور قدرت و دخالتگری مردم نقش محوری دارد اینترنت و شبکه های اینترنتی ابزار

از صفحه ۲

موش و قدرتمندی برای متشکل کردن جامعه حول اهداف و سیاستهای حزبی فراهم میکند. بعبارت دیگر در اثر انقلاب در تکنولوژی ارتباطاتی امر سازماندهی حزبی از نظر شکل سازماندهی و دامنه شمول و گسترش خود نیز کاملاً متحول میشود و افقهای تازه ای را برای بحرکت در آوردن توده مردم در برابر چشمان ما قرار میدهد. برای حزبی مثل حزب ما شبکه های اینترنتی ابزار موشی برای توده گیر کردن سیاستها و شعارها و پلانفرمهای حزبی است. همانطور که اشاره کردم اینترنت نه آلترناتیو و یا رقیب حزب بلکه امکان بیسابقه ای برای دخالتگری و اعمال رهبری حزب در سطح سیاسی و سازمانی هر دو است. فاکتور قدرت مردم و خود سازماندهی انقلاب نه تنها نقش حزب را کم رنگ نمیکند بلکه هم در دل انقلاب، هم در دوره گذار و هم در دولت آتی نقش بیش از پیش حیاتی و تعیین کننده ای به آن میبخشد. یک تحلیل گر سیاسی در تلویزیون بی بی سی در مورد انقلاب مصر میگفت: "انقلاب تویتری، انقلاب فیس بوکی، و یک انقلاب ناتمان در انتظار نام." این نام را دیگر نه تکنولوژی بلکه احزاب کمونیستی نظیر حزب ما میتوانند به انقلابها بدهند.

خلاصه کنم. انقلابات جاری که خود طلایه دار انقلابیایی هستند که در قرن بیست و یک در سراسر جهان شکل خواهند گرفت تحولاتی هستند خودسازمانده که میتوانند با اتکا به این سازمانیافتگی به پیش بروند و به دستاورهای معینی نیز برسند. اما این واقعیت آنها را از رهبری سیاسی و مسلح شدن به خط و جهت و افقی که تنها رهبری سیاسی میتواند تامین کند بی نیاز نمیکند. بر عکس خودسازماندهی انقلابها از یکسو ضرورت رهبری سیاسی این انقلابها را بیش از پیش برجسته و تعیین کننده میکند و از سوی دیگر راه تحقق پیروز واقعی انقلابها در عصر سرمایه داری یعنی واگذاری قدرت به خود مردم و اداره جامعه بوسیله ارگانها توده ای مردم را بیش از پیش فراهم میکند. *

زنده باد سوسیالیسم!

بازتاب هفته

افزایش ۵۵ هزار نفری
زندانیان در ۱۸ ماه گذشته!



محمد شکوهی

شدند فعلا حاکمیتشان را نگه دارند. آن زمان همکار اسماعیلی شکنجه گر معروف و فرمانده بسیج، حسین طائب اعلام کرد که بیش از ۲۰ هزار نفر را دستگیر کرده اند که فقط ۶ هزارشان زیر شکنجه جانیمان "اعتراف" پس داده اند. این هم در نوبه خود اعترافی به ابعاد سرکوب های رژیم می باشد. آمار و ارقامی که مسئولان حکومتی از تعداد زندانیان می دهند را در کنار دستگیریهایی که توسط انواع و اقسام باندهای ترورحکومتی، و گروههای خودسر، وزارت اطلاعات و "سربازان گمنام امام زمانشان"، تا بازداشتگاههای موقت و زندانهای مخفی قرار دهید تا روشن شود که ایران تحت حاکمیت اسلامی یک زندان بزرگ است. جمهوری اسلامی بدون سرکوب، اعدام، زندان، بدون کهریزک ها، بدون صدها زندان مخفی و بازداشتگاه، بدون بربریت اسلامی حتی قادر نخواهد بود یک روز بر سر کار بماند. اما این زندانها نیز دیگر حکومت را نجات نخواهد داد و جامعه برای نفس کشیدن ناچار است و مصمم است خود را از شر این حکومت خلاص کند.*

انقلاب در لیبی، تاکیدی دیگر بر شکوه انقلاب

یاشار سهندی

این روزها از هر پنج تا خبری که از رسانه های بورژوازی در مورد لیبی پخش میگردد در چهار مورد آن تاکید میشود که "خشونت اعمال شد" و یا "خشونت مشاهده شد" و یا اینکه "در ادامه موج خشونت های فزاینده شهر به آتش کشیده شد" و بالاخره "خشونت های بیشتری در راه است". تصویری که از لیبی جلو چشم شما شکل میگیرد یک کشور "به آشوب" کشیده شده است. اما این آشوب را چه کسی راه انداخته است؟ این رسانه ها در پی تاکید بورژوازی که انقلاب مترادف با خشونت و هرج و مرج و آشوب است چنان به پخش اخبار میپردازند که خود مردم و انقلاب مقصر جلوه میکنند. بطور نمونه این رسانه ها اینگونه خبر

درگیری بین مردم و نیروهای سرکوبگر یک دولت مسلح و وحشی را پخش میکنند: در پی نا آرامی ها در شهر بنغازی شهر به تعطیلی کشیده شد و چند نفر کشته شدند. با پخش تصاویری از کشته ها و با صدای متن الله اکبر هر چه هنر در تحریف واقعیات و ایجاد رعب و وحشت از انقلاب را بلد هستند به نمایش گذاشتند.

ما بارها تاکید کرده ایم که متمدنانه ترین شیوه گنر از یک حکومت دیکتاتوری به خیابان آمدن خود مردم است و شکل گیری انقلاب است تا توده مردم خود مستقیما و بدون واسطه به اعمال قدرت بپردازند و این ضد انقلاب بورژوازی است که به انقلابات خون می باشد. در لیبی قذافی و فرزندش سیف اسلام رسما تاکید کردند که حمام خون به راه خواهند انداخت و اینکار را نیز کردند. اما از سوی دیگر در همه شهرهایی که بدست مردم افتاده است ما یک نمونه را شاهد نبودیم که مردم به جان هم افتاده باشند و یا آنچنان که بورژوازی تاکید میکند این شهرها به هرج و مرج کشیده شده باشد. بلکه دست به غارت گری زده باشند. بلکه برعکس چنان فضای همبستگی که نتیجه و تجربه همه انقلابات است در بین مردم شکل گرفته است که مثال زدنی است. همه مردم به یاری هم میشتابند و کنترل شهرها را به دست گرفته اند و با وجود کمبود شدید مواد غذایی و "مختل شدن زندگی عادی" مردم در کنار هم مانده اند و همديگر را یاری میکنند. در لیبی با وجود مسلح شدن مردم و تسخیر پادگانها ما تاکنون شاهد این نبودیم که مردم به سوی همديگر شلیک کنند یا قومی گری و قبیله گری بین مردم شکل بگیرد و دست به کشتار هم بزنند. در روزهای اول قیام مردم لیبی رسانه های بورژوازی سعی فراوان کردند که تاکید کنند که "قبیله فلان" در مقابل "قبیله قذافی" ایستادند اما در یک شرایط انقلابی چیزی که به سرعت محو میشود و آثاری از آن پیدا نیست همین قوم گری و قبیله گری است. و به جای آن همبستگی پرشوری از مردم به نمایش گذاشته می شوند که این رسانه ها به سختی میتوانند آنرا منکر شوند. ما شاهد

موجی وسیعی از "کارگران مهاجر" هستیم به سوی مرز تونس یورش بردند رسانه های بورژوازی تاکید میکنند که این کارگران از نبردی فرار میکنند که مربوط به خودشان نیست! و این نه از ترس انقلاب که به گفته همان کارگران آواره شده بخاطر این است که نیروهای قذافی این کارگران را که در شناسنامه شان مهر دولت مصر حک شده است را مورد تعرض قرار میدهند بخاطر اینکه از انقلاب جاری در مصر خشمگین هستند. و همین کارگران در بندر شده بیش از آنکه نگران خودشان باشند نگران هم طبقه هایشان هستند که مورد حمله نیروهای سرکوبگر تحت امر قذافی قرار گرفتند.

در روزهای اول بورژوازی در مقابل وقایع لیبی سکوت کرده بود. بعد اما کمک به مردم لیبی را این یافتند که نیروهای نظامی شان را گسیل کنند و تلاش کنند لیبی را نیز به یک عراق دیگر تبدیل کنند. اسم این را هم گذاشتند یاری کردن به مردم لیبی. همین دولتها تا ماه گذشته که انقلاب در لیبی شکل گرفت، برای این دولت آخرین سلاحهای سرکوبگری را ارسال میکردند و حتی این دولت از سوی شرکتهای اروپایی مسلح به سلاح شیمیایی نیز شده است. و تنها جوابی که در این برهه از زمان به ذهن این دولتها بورژوازی در اروپا و امریکا رسیده است محاصره نظامی لیبی است و در صورت ممکن حمله نظامی است با اجازه با بدون اجازه سازمان ملل. این حمله اگر صورت گیرد نه برای کمک به مردم لیبی بلکه برای سرکوب مردم مسلح است. این دولتها از قذافی وحشت ندارند این فرد ۴۲ سال است که به همین شیوه حکومت کرده است و یک طرف مهم

تجاری و دیپلماتیک مهم دولتهای اروپایی بوده است. همیشه تریبون در اختیار همین فرد روان پریش بوده است. اینها خشونت نیست اسمش را گذاشته اند "دیپلماسی". هرگاه که قذافی پایش را از گلیشم فراتر نهاده بود جواب این دولتها بمباران شهر طرابلس بوده است. این دولتها اگر راست میگویند و دلشان واقعا برای مردم لیبی سوخته، لازم نیست نیروهای نظامی شان را آماده باش بدهند بلکه میتوانند به سرعت به کارگران آواره در مرز تونس، به اهالی شهرهای که آزاد شدند وسایل رفاهی برسانند. برای اینکارها اما ایشان وقت ندارند مسئله شان نیست. خانم کلینتون خیلی جالب وضعیت لیبی را تشریح کرده است او تاکید میکند یا دموکراسی که ایشان میگویند یا جنگ داخلی یا هرج و مرج. این تمام راههایی است که ایشان جلو راه مردم لیبی میگذارند.

نمونه لیبی شاهد عینی است از تبلیغات دروغین و ریاکارانه بورژوازی در مورد انقلاب. میتوان و باید بر رفتار مردمی که سرنوشت خودشان را بدست گرفتند تاکید کرد و نشان داد آنچه یک انقلاب را به "خشونت" میکشاند، نه مردم مسلح و به میدان آمده بلکه این نیروهای ضد انقلابی بورژوازی هستند که رنگ خشونت بر آن میزنند و بر آن خون میپاشند. و انقلاب یعنی جلوه باشکوه همبستگی توده مردم. نفس پیاخستن مردم میلیونی در منطقه برای به زیر کشیدن دیکتاتوری های سرمایه داری، اما گفتمان انقلاب خشونت است را به زیاله دان انداخته است. انقلاب یعنی شیوه دخالتگری مردم در سرنوشتشان در دنیایی که اقلیتهای مفت خور دارند حکومت میکنند. یعنی در همه جا.*

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

بازتاب هفته

جنبش انقلابی مردم لیبی و نگرانی های دولت ایتالیا



بهروز مهر آبادی

دولتهای اروپایی دلایلی موجهی دارند که از بحرانی شدن اوضاع لیبی و به شمارش افتادن روزهای عمر این حکومت بطور جدی نگران شوند. بگذارید به یک مورد نگاهی از نزدیک تر بیندازیم. و مشت نمونه خروار است. وقتی در شهریور ماه گذشته معمر قذافی و صدها نفر همراهانش خیمه و خرگاه خود را در شهر رم در محل سفارت لیبی برپا کرد تا دومین سال معاهده دوستی بین دولتهای ایتالیا و لیبی را جشن بگیرد کسی باور نمی کرد که کمتر از ۶ ماه بعد یعنی در اوایل اسفند ماه بدنبال طغیان مردم لیبی و تحت فشار افکار عمومی دولت ایتالیا ناچار به تعلیق این معاهده می شود. قرارداد ۲۵ ساله معمر قذافی و برلوسکنی نخست وزیر ایتالیا قرار بود به مدت ۲۵ سال بخش عمده سوخت صنایع ایتالیا را تامین کند و در مقابل ایتالیا ۵ میلیارد دلار در لیبی سرمایه گذاری نماید. به ادعای قذافی این قرار داد جریان نزدیک به ۴۰ سال استعمار لیبی توسط ایتالیا بود اما ساکنین اردوگاههای پناهندگی در لیبی که در غیر انسانی ترین شرایط محبوس بودند، روایت دیگری از این معاهده داشتند. از زمان امضای این معاهده تعداد پناهجویان آفریقایی به ایتالیا از ۳۰ هزار نفر در سال ۲۰۰۸ به کمتر از ۵ هزار نفر در سال ۲۰۱۰ کاهش یافت. نه تنها دولت ایتالیا از این قرارداد خشنود بود بلکه اتحادیه اروپا هم نتوانست رضایت خود را از این معاهده و دور نگاه داشتن پناهجویان از دیوار آهنین این اتحادیه پنهان کند. هیئت هایی از اتحادیه اروپا از لیبی بازدید کردند و قرار شد که برای یک دوره سه ساله مبلغ ۵۰ میلیون یورو از طرف این اتحادیه به دولت لیبی پرداخت شود. حتی افشا

قذافی در شهرهای مختلف ایتالیا برپا شد. و رسانه ها به افشاجاری در مورد روابط دولت ایتالیا و حکومت لیبی پرداختند. پس از فشار افکار عمومی دولت ایتالیا موضع خود را کاملاً تغییر داد و نخست وزیر ایتالیا قذافی را مجنون خطاب نمود. با اوج گرفتن شورش مردم در شهرهای مختلف لیبی ارتش ایتالیا بحالت آمادگی نظامی در آمد. این عمل ظاهراً بدنبال فرود دو هواپیمای جنگی لیبی در مالت پس از سرپیچی سرنشینان آنها از بمباران تظاهر کنندگان لیبیانی بود اما در واقع بسیج ارتش برای ممانعت از ورود امواج پناهندگان از شمال آفریقا به ایتالیا بود. با از هم پاشیدگی ارتش لیبی، ظاهراً این وظیفه را ارتش ایتالیا می خواهد به تنهایی بعهده بگیرد. بیش از سرنوشت مردم لیبی و انقلابی که برای تغییر وضعیت سیاسی و اجتماعی لیبی آغاز کرده اند، خطر ورود پناهجویان از لیبی و سایر کشورهای آفریقایی است که سران دولتهای اروپایی و اتحادیه اروپا را نگران ساخته است. این نگرانی را می توان در اظهار نظر ها و سیاست هایشان به روشنی دید. گفته می شود که دولت ایتالیا واردات نفت و گاز از ایران و روسیه را جایگزین واردات از لیبی نموده است. برای جبران خسارات اقتصادی هم حتما راهایی را پیدا می کنند اما برای ممانعت از ورود هزاران پناهجویی سرگردان در لیبی که از حمایت انسانهای آزادیخواه و شریف و سازمانهای مدافع حق پناهندگی برخوردارند، مشکل است بتوانند به این سادگی جانشینی بجای رژیم معمر قذافی بیابند. *

جنایتی تازه با توسل به قانون ضد "کفر گویی" در پاکستان

بهروز مهر آبادی

یک وزیر دولت پاکستان قریانی قانون "ضد الحاد" یا "ضد کفرگویی" شد. شهباز بهتانی وزیر امور اقلیت های مذهبی پاکستان روز چهارشنبه ۱۱ اسفند مورد حمله چند مرد مسلح قرار گرفت کشته شد. او از فعالین شناخته شده قانون ضد "الحاد" بود و چندین بار از طرف نیروهای اسلامی مورد تهدید قرار گرفته بود. علیرغم

این تهدیدها دولت پاکستان هیچ تلاشی برای حفاظت از او نکرد و او نه محافظی داشت و نه حتی به تقاضای او برای یک ماشین ضد گلوله پاسخی داد. قانون ضد الحاد در سال ۱۹۸۶ در دولت نظامی محمد ضیا الحق به تصویب رسید. بر اساس این قانون اگر کسی کفر بگوید سزای او مرگ است. در اواسط ماه دی گذشته سلمان تاثیر فرماندار ایالت پنجاب، یکی دیگر از مخالفان این قانون، ترور شد. باطل شدن این قانون سالها است که خواست نیروهای مترقی و مردم پیشرو پاکستان بوده است. بر اساس این قانون هرگونه توهین به خدا، محمد و قرآن باید با مجازات مرگ پاسخ بگیرد. دولت پاکستان ناچار شد که لغو این قانون ضد انسانی را مورد بررسی قرار دهد اما خیلی زود آن را از دستور کار خود خارج ساخت و وزیر امور مذهبی پاکستان در روز دهم دی ماه اعلام کرد که دولت قصد ندارد این قانون را تغییر دهد. دولت پاکستان رسماً به حمایت از تروریست های اسلامی برخاست. سه روز قبل از ترور سلمان تاثیر وزیر کشور پاکستان گفت هر کس کفر بگوید خودم به او شلیک می کنم. در تابستان گذشته یک مادر و ۴ فرزند خردسالش در ایالت پنجاب با توسل به همین قانون بدست اوپاش اسلامی کشته شدند. جرم آنها "کفر گویی" بود. دو برادر مسیحی به کفر گویی متهم شده و مورد محاکمه قرار گرفتند. اما در دادگاه توسط فرد ناشناسی ترور شدند. فقط در سال ۲۰۱۰ بیش از ۱۰۰۰ پرونده کفر گویی در پاکستان تشکیل شده است. این قانون عملاً به حربه ای در دست باندهای اسلامی برای تصفیه حساب های شخصی و باجگیری تبدیل شده است. تاکنون کسی رسماً بجرم "کفرگویی" اعدام نشده است ولی تاکنون بسیاری از محکومین ترور شده اند و دولت پاکستان کوچکترین اقدامی در این مورد انجام نداده است. بسیاری از مدافعین حقوق بشر در پاکستان معتقدند که مقامات پاکستانی خود در اجرای این ترورها دست دارند تا از این طریق هم احکام اعدام اجرا شده باشد و هم دولت را از زیر فشارهای بین المللی خارج کنند. دولت پاکستان نیز خود در خدمت دستگاه ترور در آمده است.

صدور احکام اعدام بجرم "کفرگویی" اعتراض و انزجار مردم آزادیخواه جهان را بر علیه دولت پاکستان برانگیخته است. بسیاری از پرونده های محکومین در مقابل چشم مردم جهان قرار گرفته. پرونده آسیه بی بی از آن جمله است. مادر پنج فرزند که به دلیل اختلاف با همسایه خود به کفر گویی متهم شد و حکم مرگ او توسط دادگاه صادر گردید. فشار افکار عمومی مردم دنیا تاکنون توانسته است مانع از اجرای حکم اعدام شود اما یک آخوند اسلامی اعلام کرده است که در صورت اعدام نشدن آسیه، ۶۰۰۰ دلار به قاتل او جایزه خواهد داد. در اوایل بهمن ماه یک جوان ۱۷ ساله متهم شد که در ورقه امتحان خود به محمد پیغمبر مسلمانان توهین کرده است. مدیر مدرسه به پلیس شکایت کرد و این جوان هنوز در زندان در انتظار سرنوشت نامعلوم خود است. دولت پاکستان این قانون را برای ایجاد فضای رعب و وحشت و برای جلب حمایت نیروهای اسلامی از خود باقی نگه داشته است. تعداد زیادی از محکومین به "کفر گویی" قبل از اعدام ترور شده اند و بجز در موارد استثنائی تروریست ها دستگیر و یا مجازات نشده اند. قاتل سلمان تاثیر با فریادهای تشویق آمیز و در میان دسته های گل در دادگاه حاضر شد و نزدیک به ۲۰۰ وکیل اسلامی با دسته های گل به استقبالش رفتند تا دفاع از او را به عهده بگیرند.

دولت پاکستان عملاً دستیار تروریسم اسلامی ست. آمریکا و سایر دولت های غربی متحد پاکستان چشمان خود را بر این جنایات بسته و تا آنجا که بتوانند این توحش عظیم که در پاکستان جریان دارد را پنهان می کنند. ذکر نمونه های کوچکی از اعمالی که نیروهای اسلامی در پاکستان انجام می دهد می تواند ظرفیت عظیم اسلام سیاسی برای انجام جنایت را به نمایش بگذارد. پاکستان اکنون به یک کانون ارتجاع و توحش اسلامی تبدیل شده است. با به جریان افتادن انقلابات در منطقه، و عقب رانده شدن اسلام سیاسی در دوره اخیر، باید امیدوار بود که این کانون ضد بشری اسلامی نیز به دست بشریت متمدن تسخیر شود.

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

ارزیابی تظاهرات ۱۰ اسفند ۸۹

گامی مهم در سرنگونی رژیم اسلامی!

دست تک تک زنان و مردانی که تظاهرات ۱۰ اسفند را آفریدند، به گرمی میفشاریم. این روزی مهم در گسترش انقلاب مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی بود. تهران، شیراز، اصفهان، تبریز، مشهد، کرج، کرمانشاه و شهرهای دیگر شاهد به خیابان آمدن جمعیتی وسیعتر از تظاهرات های ۲۵ بهمن و اول اسفند بود. نفس این امر بی تردید لریزه بر بیکر خامنه ای و کل نظام جمهوری اسلامی می اندازد. مردم، بویژه نسل جوان، برای ساعتها با نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی، که از همیشه بیشتر تدارک دیده بودند، به جنگ و گریز پرداختند. گرچه حضور سنگین نیروهای سرکوبگر کمتر

غلیان درآمد. در پایان روز ۱۰ اسفند مردم با احساس پیروزی و روحیه ای بالاتر و با تجدید پیمان برای تظاهرات سه شنبه بعدی به خانه رفتند.

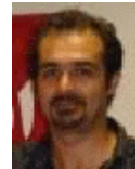
اکنون و با توجه به تظاهرات ۱۰ اسفند و روحیه مسلط در بین مردم با قطعیت میتوان گفت که انقلاب در ایران با عزمی جزم برای سرنگونی جمهوری اسلامی سربلند کرده است. بعلاوه، به نظر میرسد انقلاب در ایران تاکتیک ویژه لحظه حاضر برای پیشروی گام به گام و درهم شکستن مقاومت دیکتاتور و کل نظام اسلامی را در تظاهرات های تکرار شونده یافته است. تاثیر واقعی این نوع تظاهرات در این است که میتواند در پیشروی خود دمدم قدرت گیرد، چنانکه در سه تظاهرات اخیر مجموعا شاهد آن بوده ایم، و در مقطعی توازن قوا را چنان به هم زند که انقلاب نیروی وسیع تری را و

است آخرین دست و پا زدن های خامنه ای برای نجات خودش و نظام باشد و رهبر دیگر نمی تواند به هیچ کس اطمینان و اعتماد داشته باشد. اما معضل اینست که کنار زدن هاشمی برای خامنه ای چندان ساده نیست و حکومت را بی حفاظ تر مقابل انقلاب مردم قرار میدهد.

خامنه ای بطور مستقیم اعلام نکرده است که حضور هاشمی را در مجلس خبرگان تحمل نمی کند، اما توانسته دسته ای از آخوندهای حوزه علمیه قم را بسیج کند تا مانع ریاست دوباره او بر مجلس خبرگان رهبری شوند. پخش شعارهای "مرگ بر هاشمی" و حمله اوپاشان طرف مقابل به دخترش او را متوجه اوضاع کرد و واداشت که در بیانیه ای اعلام کند هیچگاه در جمهوری اسلامی بدنبال پست و مقام نبوده و در دوره انتخابات چهار سال قبل هم خود خامنه ای از او خواسته است که وارد انتخابات شود!

هراس حاکمان کردستان عراق از اعتراضات رو به گسترش مردم

مردم شیره بمالند. بنا بر خبرهای دریافتی از همین گزارشگر در ادامه دهمین روز اعتراضات مردم شهرهای کردستان عراق روز شنبه ۲۶ نوامبر ساعت ۴:۱۵ دقیقه بعدظهر به وقت محلی یک بمب صوتی در شهر سلیمانیه میدان آزادی (ده رکی سه را) منفجر شد. بنا به این خبر انفجار این بمب توسط نیروهای حکومتی و برای ایجاد فضای رعب و وحشت و متفرق کردن مردم معترض و ناراضی صورت گرفته است. مردم که شاهد این وحشی گری



انتخابات مجلس خبرگان و...

از صفحه ۱

جانینان اسلامی به پیش برانند، انتخابات "مجلس خبرگان رهبری" که قرار است چند روز دیگر برگزار شود شکافهای عمیق درون حاکمیت را جلوی چشم گذاشته است. انتخابات این دوره مجلس فرمایشی خبرگان از دوره های قبل متمایز است. هر چند ظاهرا در بستری کاملا متفاوت و کاملا بی ربط به وضعیت سیاسی - اجتماعی جامعه و وضعیت انقلابی که در خیابانها وجود دارد، انجام می شود، اما در عین حال این کش و قوس نفس گیر نشانه آخرین تفرقهایی است که خامنه ای و رفسنجانی و تمام آخوندهای رده های بالا و پایین حکومت انجام می دهد تا بشیوه خودشان بتوانند گوشه هایی از این نظام منحوسشان را نجات دهند. این انتخابات اینبار در شرایطی برگزار می

کنندگان میدان آزادی شهر سلیمانیه، کمپین اعتراضی "تو را بعنوان رهبر قبول ندارم" را اعلام کردند و در این راستا شروع به جمع آوری امضا کردند. این در حالی است که مسعود بارزانی در مصاحبه ای با روزنامه نگاران ایتالیایی اعلام کرده بود که اگر ۵۰ هزار نفر از مردم کردستان من را قبول نداشته باشند من از کار دست خواهم کشید. مسعود بارزانی و دیگر سران احزاب ناسیونالیست عشیره ای و قومی حاکم بر کردستان عراق می کوشند با بیان اینگونه افاضات و ریاکاری برسر

در اشکال متنوع تری به میدان آورد. اشکالی نظیر شعاردهی شبانه بمراتب وسیع تر و کوبنده تر که هرشب شهرها را کاملا به لرزه درآورد، تظاهرات های خیابانی فرسایشی هر روزه و در تمام شهر که عملا زندگی روزانه رژیم را فلج کند، کنترل عملی محلات توسط مردم، سازماندهی کمیته های اعتصاب در کارخانه ها، بیمارستانها، مدارس، دانشگاه ها و ادارات بمنظور برپایی اعتصاب عمومی، و سرانجام تدارک یورش نهایی به نهادهای قدرت و درهم شکستن کل ماشین آدمکشی جمهوری اسلامی و تصرف مستقیم قدرت توسط ارگانهای اعمال اراده مردم.

از اینرو حائز اهمیت زیاد است که تظاهرات بعدی که در سه شنبه ۱۷ اسفند و مصادف با ۸ مارس روز جهانی زن برگزار میشود، هرچه

در عین حال، پایگاه خبری "جرس" به نقل از یکی از اعضای مجلس خبرگان از عدم توافق نمایندگان خبرگان در مورد هاشمی خبر داده و اضافه کرده است که مهدوی کنی، مصباح یزدی، احمد جنئی و محمد یزدی چهار نامزد دیگر انتخابات خبرگان رهبری هستند.

هر چند هاشمی رسما خود را از انتخابات ریاست خبرگان کنار نکشیده اما خودش متوجه شده تا نظر موافق ولی امر را نداشته باشد، شانس برای انتخاب شدن مجدد ندارد. زمام مجلسی را که قرار است نظارت به کار رهبری را انجام دهد نمی شود به کسی سپرد که هر چند بطور ضمنی و در لافه از جناح مقابل حمایت کرده و یا بزحمت آن را محکوم کرده است. اما انتخابات این دوره مجلس خبرگان رهبری که ظاهرا قرار است سر و سامانی به دم و دستگاه آشفته ولایت بدهد، اینبار اتفاقا به دلیل همان انقلابی که هر روز عمیق تر و ریشه ای سرکوبگران حکومت کردستان بودند، نه تنها متفرق نشدند بلکه متحدانه تر به خیابان آمدند و بسوی آنان سنگ پرتاب کردند و آنها نیز با شلیک گلوله به مردم پاسخ می دادند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن گزارش این خبر در اطلاعیه ای در ۲۸ فوریه، مینویسد: "تیراندازی به سوی مردم تظاهر کننده، کشته و زخمی شدن بیش از ۱۵۰ نفر از آنان در چند روز گذشته، بازداشت و دستگیری فعالین و سخنگویان این اعتراضات از جمله چند نفر از اعضای رهبری حزب کمونیست کارگری کردستان و دیگر فعالین در شهر سلیمانیه، پوچ بودن ادعاهای بارزانی و امثال او را نشان می دهد. مردم مبارز و آزادیخواه کردستان عراق فریب سخنان رهبران احزاب ناسیونالیست کرد که ۲۰ سال است فقر و فلاکت را به مردم تحمیل کرده اند نخواهند خورد. مردم شهرهای کردستان عراق بخوبی می دانند که احزاب حاکم بر کردستان با فساد مالی و اداری، کشتار، اعدام و ترور حاکمیت می کنند. مردم مبارز و شرافتمند کردستان عراق، حکومت سراپا فساد ناسیونالیستهای حاکم بر کردستان را نمی خواهند و خواهان یک حکومت آزاد، برابر و انسانی هستند."

سه شنبه ۱۷ اسفند،

سه شنبه ۱۷ اسفند، روز جهانی زن...

حکومت قرار گرفتند.

تا جمهوری اسلامی هست تحقیر و بی حقوقی کامل زن نیز پابرجاست. سرنگونی جمهوری اسلامی شرط اول آزادی زن است. انقلاب ما انقلابی برای احقاق همه حقوق زنان، برای لغو کلیه قوانین و مقررات ضد زن، برای درهم شکستن آپارتاید جنسی، برای زدودن هر جلوه ای از نابرابری و تبعیض علیه زنان، برای به زیر کشیدن حکومت ضد زن و اعلام برابری کامل حقوق زن و مرد در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و خانوادگی است.

سه شنبه ۱۷ اسفند، زن و مرد، پیر

اعلام کردند که انقلاب نکرده ایم که به عقب برگردیم و با صدای بلند فریاد زدند حقوق زن جهانی است. جمهوری اسلامی اما این فریاد حق خواهی و آزادی خواهی را با سرکوب مستمر و وحشیانه زنان، با تحمیل حجاب اجباری، و با تصویب شنیع ترین و تحقیر آمیزترین قوانین علیه زنان پاسخ داد و آپارتاید جنسی تمام عیاری بر جامعه حاکم کرد. اما زنان در تمام این ۳۲ سال شجاعانه و به اشکال مختلف اعتراض و مقاومت کردند و نه تنها سر تسلیم فرود نیاوردند که در صف مقدم انقلاب برای زیر کشیدن این

در مورد تظاهرات در سه شنبه ۱۷ اسفند:**نظام ضد آزادی، ضد زن و ضد شادی جمهوری اسلامی باید سرنگون شود!**

سه شنبه ۱۷ اسفند منطبق با ۸ مارس روز جهانی زن است. همه آزادیخواهان و طرفداران برابری کامل زن و مرد در این روز با خواست مشخص رفع هر گونه تبعیض به زنان، با خواست بر چیده شدن نظام آپارتاید جنسیتی و با شعار "حکومت ضد زن سرنگون" به خیابانها میایند و فریاد اعتراض خود را علیه نظام ضد زن جمهوری اسلامی بلند میکنند.

سه شنبه ۲۴ اسفند روز چهارشنبه سوری و روز بجالش کشیدن رژیم مرگ و عزا و نظام ضد شادی و ضد زندگی جمهوری اسلامی است. این روز مبارزه برای خلاصی فرهنگی و برخورداری از یک زندگی شاد و مدرن و امروزی است. در این روز همه مردم بویژه جوانان و دختران و پسران با جشن و شادی و برپائی مراسم چهارشنبه سوری در همه

گفتمان و فراخوان تظاهرات خیابانی در روزهای سه شنبه در سه هفته آتی در میان جوانان و فعالین جنبش انقلابی و نیروهای خواهان سرنگونی نظام جمهوری اسلامی، در سایتها و فضای اینترنتی و در میان صفوف مردم وسیعا مطرح شده است. جنبش انقلابی و سرنگونی طلبانه مردم به استقبال این سه روز میرود.

سه شنبه ۱۰ اسفند روزی برای بزرگداشت یاد جانباختگان تظاهرات روزهای اخیر، صانع زاله، محمد مختاری، و حامد نور محمدی و روز مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی است. این فرصت و مناسبتی است برای طرح خواست آزادی فوری و بی قید و شرط زندانیان سیاسی و بلند کردن فریاد اعتراضات علیه رژیم زندان و شکنجه و اعدام!

و جوان، با شعار حکومت ضد زن سرنگون، مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای و آزادی برابری به خیابان بیابیم و با صدای بلند اعلام کنیم که این حکومت را نمیخواهیم. در ابعاد میلیونی در تهران و شیراز و اصفهان، در تبریز و سنندج و کرمانشاه، در اهواز و مشهد و رشت و در همه شهرهای بزرگ و کوچک کشور به میدان بیابیم و روزهای پایان عمر این رژیم را رقم بزنیم.

زنده باد آزادی زن
سرنگون باد رژیم ضد زن اسلامی
زنده باد سوسیالیسم
حزب کمونیست کارگری ایران
۳ مارس ۲۰۱۱، ۱۲ اسفند ۱۳۸۹

شهرها و محلات با صدای بلند اعلام میکنند که رژیم ضد شادی و ضد زندگی جمهوری اسلامی باید گورش را کم کند.

این تظاهرات های توده ای اولین گامهای عروج مجدد انقلاب در ایران است که بر متن و تحت تاثیر مستقیم موج انقلابات در منطقه سر بلند کرده و برای زیر کشیدن رژیم ضد زن و ضد آزادی و ضد انسانی جمهوری اسلامی پا بیدان گذاشته است. ما همه مردم را به شرکت در تظاهرات در دهم و هفدهم و بیست و چهارم اسفند با شعار و خواست و پرچم سرنگونی نظام جمهوری اسلامی فرامیخوانیم.

سرنگون باد نظام ضد آزادی، ضد زن و ضد شادی جمهوری اسلامی!
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ اسفند ۱۳۸۹، ۲۵ فوریه ۲۰۱۱

سفارتخانه ها و کنسولگریهای رژیم جنایتکار اسلامی در سراسر جهان بایستی بر چیده شوند!

ترور صدها نفر از مخالفین را در خارج کشور سازمان داده است، از نظر مردم ایران هیچ مشروعیتی ندارد و باید همه سفارتخانه ها و کنسولگریهای آن در سراسر جهان تعطیل شوند و نمایندگان آن نیز از همه مراجع بین المللی اخراج گردند.

مردم آزاده جهان!
به حمایت مردم ایران برخیزید! شما می توانید دولت های خود را تحت فشار بگذارید. از آنها بخواهید که رابطه خود را با جمهوری اسلامی قطع کنند. جمهوری اسلامی باید منزوی و از همه مراجع بین المللی اخراج گردد. سفارتخانه ها و کنسولگریهای جمهوری اسلامی باید بسته شوند. جمهوری اسلامی منزوی

زنده باد همبستگی بین المللی با

جمهوری اسلامی ایران بخاطر سرکوب گسترده اعتراضات مردم و شکنجه و اعدام مخالفین و اعمال سه دهه جنایت سیستماتیک علیه مردم ایران و بخاطر اعدام بیش از صد هزار نفر، باید از همه مراجع بین المللی اخراج گردد. هر نوع رابطه سیاسی و فرهنگی با قاتلین و شکنجه گران مردم ایران محکوم است. جمهوری اسلامی ایران بخاطر بیش از سی سال جنایت علیه مردم ایران، بخاطر آنکه بیش از نیمی از مردم را در فقر نگه داشته است، آپارتاید جنسی را به زنان تحمیل کرده است، تجاوز به مخالفین در زندانها را سازمان میدهد، قوانین قرون وسطائی قطع عضو و پرتاب از بلندی و سنگسار را اجرا میکند، و

مردم آزاده جهان!

از لیبی تا ایران؛ مرگ بر تمام دیکتاتورها

شنبه ۲۶ فوریه ما حدود ۲۰۰ نفر در میدان بلکور لیون به حمایت از مردم لیبی و اعتراض به اعدام در ایران جمع شدیم با بسیاری از مردم حاضر که جمع بودن برای محکوم کردن رژیم لیبی راجع به رژیم وحشی ایران و احمدی نژاد سفاک خبر رسانی کردیم. مردم از سرنوشت سکینه از ما سوال میکردند و ما توضیح دادیم که تهدید هنوز بالای سر سکینه همچنان هست. ما همچنین در همین روز موفق شدیم صدها امضا برای دفاع از رفیقمان سعید نیرومند که جواب پناهندگی رد شده و در معرض اخراج از فرانسه میباشد؛ جمع کنیم که در آینده بتوانیم شهرتانی را مجبور به دادن پناهندگی به سعید نیرومند بکنیم. در این گردهمایی ما به سرهنگ

اطلاعیه شماره ۱۲۰:

جان هوتن کیان وکیل سکینه آشتیانی در خطر است، پشتیبانان را امضا کنید!

طبق اخباری که به کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار رسیده است، جمهوری اسلامی هوتن کیان را زیر شدیدترین فشارها قرار داده و برای وی پرونده سنگینی تهیه کرده است و او را به چهار بار اعدام محکوم کرده است. ظاهرا سه حکم اعدام او را لغو و یکی از این احکام را تایید کرده اند. طبق خبری که به ما رسیده است، بطور شفاهی به هوتن گفته اند که بزودی او را اعدام میکنند.

هوتن از روز ۱۰ اکتبر ۲۰۱۰ که به همراه دو خبرنگار آلمانی و سجاد قادرزاده فرزند سکینه محمدی آشتیانی دستگیر شد، مورد شکنجه و اذیت و آزار فراوان قرار گرفت و طبق اطلاعاتی که به دست ما رسیده است، بر روی بدنش جای شکنجه و خاموش کردن سیگار و کتک زدن کاملا مشهود است. هوتن را در زندان های تبریز و سپس در بند ۲۰۹ زندان اوین مورد شدیدترین آزارها قرار دادند و اکنون در زندان تبریز برای قتل او زمینه چینی میکنند.

مادر هوتن که ساکن امریکا بود، به محض ورود به ایران برای کمک به هوتن، ممنوع المصاحبه و ممنوع الخروج شد. پدر هوتن نیز توسط حکومت اسلامی در سال ۱۳۵۹ اعدام انقلاب مردم ایران
مرگ بر جمهوری اسلامی
تشکیلات خارج کشور حزب



قذافی و احمدی نژاد نشان دادیم که از سرنوشت مبارک و بن علی عبرت بگیرند. (انایس سنتس از UPC، ترجمه از پدی کوهی



شد. جمهوری اسلامی در جریان آزاد کردن دو خبرنگار آلمانی نیز در اطلاعیه های علنی، به نفر چهارم این پرونده و مجرم بودن او اشاره کرده بود که اشاره ای تلویحی به هوتن کیان و زمینه سازی علیه او بود.

هوتن کیان هیچ جرمی مرتکب نشده است جز اینکه به زندانیان محکوم به اعدام کمک کرده و وکیل پرونده سکینه محمدی آشتیانی بوده است.

ما از همه نهادهای بین المللی، از همه کسانیکه برای نجات سکینه محمدی آشتیانی به میدان آمدند، از نهادهای بین المللی و از دولتها میخواهیم که فوراً و شایداً به این زمینه چینی حکومت اسلامی برای اعدام هوتن کیان اعتراض کنند و خواهان آزادی فوری او و همسینطور سکینه محمدی شوند. ما شایداً نگران جان هوتن کیان هستیم و از همگان میخواهیم بهر طریق ممکن و هرچه سریعتر برای نجات هوتن و آزادی او و سکینه اعتراض کنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار، ۲۵ فوریه ۲۰۱۱

Spokesperson:
minaahadi@aol.com
0049-177-569-2413

کمیته کارگری ایران
۱۲ اسفند ۱۳۸۹، ۲۶ فوریه ۲۰۱۱

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را می‌توانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین می‌توانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید می‌توانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

۱۸۰۰ کارگر پیمانی پتروشیمی تبریز وارد سومین روز اعتصاب خود شدند

داشته اند، مجمع عمومی خود را بعنوان يك ركن پایه ای تشكلكشان و بعنوان محلی برای تصمیم گیری و متحد ماندن خود، بصورت منظم و در موردهای تعیین شده تشکیل دهند، نمایندگان واقعی خود را در این مجامع انتخاب کنند و با قدرت اعتراض جمعی شان خواستههای خود را به پیش برند. با چنین مبارزه متحلی کارگران پتروشیمی تبریز بدون شک خواهند توانست نه تنها در برابر زور گویی کارفرمایان بایستند، بلکه با خواست استخدام بصورت قرارداد دسته جمعی و افزایش دستمزدهایشان در سطح يك زندگی انسانی به جلو بیایند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۰ اسفند ۱۳۸۹، ۱ مارس ۲۰۱۱

ایران بصورت استخدامهای پیمانی با قراردادهای موقت و بعضاً حتی سفید امضا به کار اشتغال دارند. شکلی از استخدام برده وار کارگر که در آن دست کارفرما برای تحمیل بدترین شرایط کار به کارگران باز گذاشته شده و این کارگران را تهدید میکند. از همین رو اعتصاب ۱۸۰۰ کارگر پتروشیمی تبریز با خواست استخدام قرارداد دائم يك اقدام مهم از سوی این کارگران است و بطور واقعی در مقابل دیگر بخش های کارگری راه نشان میدهد.

واقعیت اینست که شرایط انقلابی امروز جامعه بهترین فرصت برای جلوی صحنه آمدن کارگران با خواستههای تعرضی خود و قرار گرفتن در صف مقدم اعتراضات کل جامعه است. ۱۸۰۰ کارگر پتروشیمی تبریز نیروی بزرگی هستند که میتوانند در تداوم همین تجمعات اعتراضی ای که

امروز ۱۰ اسفند کارگران پیمانی پتروشیمی تبریز با خواست تبدیل استخدام خود از شکل پیمانی بصورت قرارداد دائم برای سومین روز متوالی دست به اعتصاب زده و در مقابل این شرکت تجمع اعتراضی برپا کردند. بنا بر اخبار منتشر شده، حدود ۱۸۰۰ کارگر متخصص بصورت پیمانکاری و با قراردادهای موقت در این مجتمع به کار اشتغال دارند. کارگران میگویند با وجود اینکه بنا بر مصوبه خود جمهوری اسلامی، استخدام کارگران متخصص و فنی پیمانی باید به قراردادی دائم تبدیل شود، اما مدیران این مجتمع به بهانه اینکه دستور اجرای این مصوبه را باید وزیر نفت صادر کند، از اجرای آن سرپا زده و آنها را بصورت پیمانی به استخدام در آورده اند. بسیاری از این کارگران حتی دارای سابق کاری طولانی هفده سال هستند. هم اکنون بخش عظیمی از کارگران

کارگران شرکت ساختمانی پرهون سندانج وارد چهارمین روز اعتصاب خود شدند

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۰ اسفند ۱۳۸۹، ۱ مارس ۲۰۱۱

در رابطه با اعتراضات کارگران پرهون سندانج در بخشی از اطلاعیه تاریخ ۱۰ اسفند حزب کمونیست کارگری ایران آمده است:
دستزدهای پرداخت نشده معضل بخش عظیمی از کارگران است. هم اکنون در مراکز مختلف کارگری در شهر سندانج در رابطه با همین موضوع و در برابر بیکارسازنها اعتراض و مبارزه جریان دارد. در شرایطی که موج جدیدی از اعتراض کل جامعه را فرا گرفته است، بهترین فرصت است که این مبارزات را متحد و همزمان کرد. بهترین فرصت است که بار دیگر مجمع عمومی نمایندگان کارخانجات

مقابل فرمانداری خواهد بود. در تجمع روز شنبه ۷ اسفند این کارگران، مدیران شرکت و کارفرما (مینا) در میان کارگران حاضر شده و تلاش به ترساندن و پراکنده کردن آنان نمودند. اما کارگران به اعتراض خود ادامه دادند و در مقابل دفتر شرکت جمع شده و بر خواستههایشان پای فشردند. در مقابل اعتراض کارگران، سرپرست کارگاه و مدیران شرکت از جمله مهندس نفیعی و مهندس صالحی کارگران را بیایگی خوانده و تهدید کردند که اگر به اعتصاب خود ادامه دهند، از نهار خبری نخواهد بود. کارگران معترض با شنیدن این سخنان بر ادامه اعتصاب خود مصمم تر شده و اکنون در چهارمین روز اعتصاب خود بسر میبرند. در این شرکت حدود صد کارگر به کار اشتغال دارند. آزادی، برابری، حکومت کارگری

روسه شنبه ۱۰ اسفند کارگران شرکت ساختمانی پرهون طرح بیروگاه سیکل ترکیبی سندانج، در اعتراض به ۴ ماه دستمزده پرداخت نشده و عیدی آخر سال شان، وارد چهارمین روز اعتصاب خود شدند. در حرکت اعتراضی امروز کارگران معترض در مقابل دفتر شرکت تجمع کرده و بر خواست خود پافشاری کردند. در نتیجه اعتراض کارگران به آنها قول داده شد که شنبه به خواست آنها پاسخ داده شود، کارگران اعلام داشتند که تا عملی شدن این وعده ها به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. قبلاً نیز به کارگران وعده پرداخت دو ماه از طلبهایشان داده شده بود که کارگران زیر بار آن نرفته و خواستار تمامی طلبهای خود شدند. کارگران اولتیماتوم داده اند که در صورتیکه طلبهای آنها پرداخت نشود، اجتماع بعدی آنها

مختلف را تشکیل داد و برای ادامه این اعتراضات برنامه ریزی واحد داشت. کارگران کارخانجات سندانج تجریبات ارزنده ای از جلب حمایت مردم شهر و شرکت فعال خانواده های کارگری در اعتراضاتشان دارند، جا



مارس در میدان آزادی ادامه دارد و امروز آخرین مهلت برای حکومت است که به خواست تجمع کنندگان پاسخ بدهد. انجمن موقت تجمع کنندگان اعلام کرده است که اگر امروز به خواست های ما رسیدگی نشود اعتصاب عمومی را آغاز خواهیم کرد.
زنده و پیروز باد اعتصاب سراسری مردم شهرهای کردستان عراق کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران-۲ مارس ۲۰۱۱

اولتیماتوم دانشجویان شهر سلیمانیه برای شروع

اعتصاب سراسری

تجمع مردم آزادبخواه سلیمانیه روز سه شنبه نیز ادامه داشت و وارد ۱۳ همین روز خود شد. امروز چهارشنبه ۲ مارس دومین روز اعتصاب دانشجویان دانشگاه سلیمانیه ادامه دارد و بر حمایت خود از خواست و مطالبات تجمع کنندگان میدان آزادی و ادامه اعتصاب تاکید کردند. تجمع مردم در روز چهارشنبه ۲

خبر دریافتی از سلیمانیه، دانشجویان دانشگاه سلیمانیه صبح روز سه شنبه اول مارس ساعت ۳:۰۸ دقیقه اعتصاب عمومی را فراخوان دادند و اعلام کردند که اگر از طرف حکومت به خواست هایشان رسیدگی نشود در کلاسهای دانشگاه حاضر نخواهند شد و به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

تجمع اعتراضی کارگران کیان تابر در مقابل بخشداری چهار دانگه

بنا بر گزارش سایت اتحاد "اتحادیه آزاد کارگران ایران" بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران کیان تابر از ساعت ۹ تا ۱۱ صبح روز ۷ اسفند در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود و شرایط مشقت بار کارشان در مقابل بخشداری چهار دانگه دست به تجمع اعتراضی زدند. در این تجمع اعتراضی کارگران برای بیان اعتراض خود بطور سمبلیکی ظروف خالی غذا در دست داشته و شعار میدادند "بخشدار بیا پایین". کارگران در پایان تجمع خود اعلام کردند چنانچه وعده های داده شده به آنان محقق نشود تجمع بعدی خود را در مقابل وزارت صنایع برگزار خواهند کرد.

لازم به یادآوری است که کارگران کیان تابر قبل از آن نیز در همین رابطه در روز ۱۶ بهمن به مدت یکساعت در کنار جاده اسلامشهر و روبروی

بخشداری چهار دانگه با آتش زدن لاستیک تجمع اعتراض بر پا کردند. بدنبال این اعتراضات طی نشست میان نمایندگان کارگران و مقامات مسئول جدولی زمانبندی شده برای پرداخت دستمزد آنان تا پایان سال ۸۹ مورد توافق طرفین قرار گرفت و کارفرما متعهد به اجرای آن شد. مفاد این توافق عبارت بود از:

- ۱- اول اسفند پرداخت ۵۰ درصد عیدی کارگران
 - ۲- چهاردهم اسفند پرداخت باقی مانده دستمزد بهمن ماه
 - ۳- ۲۴ اسفند پرداخت دستمزد اسفند ماه
 - ۴- هفته آخر اسفند ماه پرداخت ۵۰ درصد باقی مانده عیدی
- بدنبال این توافق کارگران کیان تابر موقتا به حرکت اعتراضی خود پایان

شدن، انتخاب نمایندگان واقعی خود در مجمع عمومی و تن ندادن به دخالت شوراهای اسلامی، همه و همه دستاوردهای کارگران کیان تابر در طول اعتراضات بوده و به نوبه خود دستاوردهای خوبی برای کل جنبش کارگری است.

صف متحد کارگران کیان تابر، نقطه قدرت این کارگران است. باید این اتحاد را حفظ کرد. با اتکا به مجمع عمومی و ایجاد صفی متحد کارگران میتوانند نه تنها دستمزدهای پرداخت نشده خود را نقد کنند، نه تنها در مقابل بیکارسازیها و تهاجمات هر روزه دولت و کارفرمایان به زندگی و معیشت خود بایستند، بلکه حرکتی تعرضی و سراسری با خواست افزایش فوری دستمزدها را سازمان دهند. قیمت ها چندین برابر افزایش یافته و دستمزدها نیز باید چند برابر شود.

با شروع انقلابات در منطقه و شروع دور جدید تظاهرات های خیابانی هزار کارگر شرکت واحد را بگیرد. رضا شهبابی و کارگران بازداشتی سندیکای شرکت واحد باید فوراً آزاد شود. دفاع از رضا شهبابی و کارگران زندانی دفاع از حق تشکلی، حق اعتصاب، حق تجمع و پایه ای ترین حقوق کارگران و کل جامعه است. علاوه بر کارگران شرکت واحد هم اکنون رضا رخشان رییس هیات مدیره سندیکای هفت تپه و بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک در زندانند. جانین اسلامی بهنام ابراهیم زاده را به بیست سال زندان و ده زندان محرومیت از فعالیت اجتماعی محکوم کرده اند. کارگران زندانی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

روز ۱۰ اسفند در حاشیه آزاد راه آیت الله سعیدی در حالیکه پلاکاردهایشان را در دست داشتند، دست به تجمع زدند. در این تجمع اعتراضی نیروهای سرویگر رژیم در محل حاضر شده و کارگران را در محاصره خود داشتند.

تظاهرات های ۲۹ ژانویه در حمایت از زندانیان سیاسی و کارگران زندانی که در بیش از ۴۰ شهر جهانی برگزار شد، یکی از عکسهای که تظاهر کنندگان در دست داشتند، عکس رضا شهبابی بود. در آن هنگام رضا در پاسخ به این همبستگی و تقاضای خانواده و جمعی از همکارانش که کتاب برای او نامه داده بودند، بعد از دو هفته به اعتصاب غذای خود خاتمه داد. اما جانین اسلامی رضا شهبابی را تا اکنون در اسارت خود نگاهداشته اند و بنا بر آخرین خبر منتشر شده، قرار است وی را در ۱۵ اسفند در شعبه ۱۵ دادگاه جمهوری



تجمع اعتراضی کارگران کیان تابر در مقابل بخشداری چهار دانگه

جانین اسلامی رضا شهبابی کارگر شرکت واحد را در ۱۵ اسفند محاکمه خواهند کرد

اسلامی محاکمه کنند. جرم رضا شهبابی اعتصاب با شکوه کارگران شرکت واحد در سال ۸۴ و تلاش این کارگران برای ایجاد تشکلی خود، سندیکای واحد است. جرمی که به خاطر آن علاوه بر رضا شهبابی، سه عضو دیگر عضو هیات مدیره سندیکای واحد، منصور اسانلو، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی، در زندانند. جمهوری اسلامی این کارگران را در زندان نگاهداشته است، تا سندیکای شرکت واحد، را که با تلاش خود کارگران شکل گرفته است در هم بشکند و جلوی اعتراض متحد هدفه

تظاهرات های ۲۹ ژانویه در حمایت از زندانیان سیاسی و کارگران زندانی که در بیش از ۴۰ شهر جهانی برگزار شد، یکی از عکسهای که تظاهر کنندگان در دست داشتند، عکس رضا شهبابی بود. در آن هنگام رضا در پاسخ به این همبستگی و تقاضای خانواده و جمعی از همکارانش که کتاب برای او نامه داده بودند، بعد از دو هفته به اعتصاب غذای خود خاتمه داد. اما جانین اسلامی رضا شهبابی را تا اکنون در اسارت خود نگاهداشته اند و بنا بر آخرین خبر منتشر شده، قرار است وی را در ۱۵ اسفند در شعبه ۱۵ دادگاه جمهوری

به خانواده های زندانیان سیاسی در مقابل زندانها پیوندید

تجمعات میتواند به کانون های بزرگ مبارزه تبدیل شود، باید به آنها پیوست و آنها را تقویت کرد. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی يك رکن مهم مبارزه مردم است. باید این تجمعات را هرچه بیشتر تقویت کرد، در تظاهرات های بزرگ و سراسری خواست آزادی زندانیان سیاسی را با تمام قوا مطرح کرد و حکومت ننگین اسلامی را هرچه بیشتر در محاصره قرار داد. از همه مردم آزادیخواه و شریف می خواهیم تا به خانواده های زندانیان سیاسی، که هرروز در مقابل اوین و دادگاه انقلاب تجمع میکنند، پیوندند و این تجمعات را هرچه بیشتر گسترده کنند و رژیم را وادار به آزادی زندانیان سیاسی

روز پنجشنبه پنجم اسفند مانند روزهای دیگر خانواده های زندانیان سیاسی در مقابل زندان اوین تجمع کردند تا خبری از عزیزان خود بدست آورند. جمعی از مردم آزادیخواه نیز در حمایت از زندانیان سیاسی و با خواست آزادی آنها در محل حضور داشتند و اجتماع با بیش از ۴۰۰ نفر در مقابل زندان اوین تشکیل شد. در مقابل رفتار های توهین آمیز ماموران زندان مردم معترض با آنها درگیر شده و کیوسک مقابل زندان را در هم شکستند. سربازانی که در آن محل بودند، محوطه بیرونی را تخلیه کرده و به داخل زندان عقب نشستند. مردم به طرف در زندان هجوم بردند نگهبانان در را باز کرده و



۸ مارس ۲۰۱۱: سفارتخانه های رژیم ضد زن جمهوری اسلامی باید بسته شود! زنده با همبستگی با زنان ایران، خاورمیانه و شمال آفریقا!

آغاز این کارناوال بین خیابانهای ۴ و ۵ نزدیک ویکتوریا دربو در :
Mc Spadden Park
ساعت ۱ بعد از ظهر کارناوال از پارک حرکت کرده و پس از عبور از خیابان کامرشیاال و ادنک به وایز هال میروند.

Wise Hall, 1882
Adanac

از ساعت ۲ تا ۵ در وایز هال با میزهای اطلاع رسانی- برنامه های هنری و غذا از شرکت کنندگان پذیرایی میشود. سرگرمیهای ویژه ای نیز برای کودکان تدارک دیده شده .
تلفن تماس:

06048986727

فدراسیون پناهندگان ایرانی، ونکور، علیه تبعیض- ونکور، دوستان زنان در خاور میانه
سخنرانی مینا احدی به مناسبت روز جهانی زن:

همچنین در همین روز مینا احدی سخنرانی کمیته بین المللی علیه اعدام در تورنتو سخنرانی خواهد داشت .

زمان: شنبه ۱۲ مارس ۲۰۱۱ از ساعت ۷ تا ۱۰ شب
مکان: ۵۱۲۰ خیابان یانگ، کتابخانه نورث یورک، طبقه دوم بالای کتابخانه. نزدیکترین ساب وی نورث یورک .

تلفن تماس ۴۱۶۸۵۸۹۸۳۱
برگزار کننده: کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار، علیه تبعیض - سازمان دفاع از حقوق زن
اتاوا:

تظاهرات مقابل سفارت جمهوری اسلامی در اتاوا، سه شنبه ۸ و ۱۵ مارس ساعت ۱۳

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، کمیته بین المللی علیه سنگسار علیه تبعیض - سازمان دفاع از حقوق زن، کمیته بین المللی علیه اعدام

تلفن تماس: داود آرام: ۰۰۱۶۱۳۸۵۹۷۹۲۹

آلمان، کلن: راهپیمایی از مرکز شهر از ساعت ۲ تا ۶ ebert platz
فرانکفورت: مرکز شهر از ساعت ۱۳

گوتنبرگ- ۸ مارس شرکت در تظاهرات روز جهانی زن که از ساعت ۱۸ از گوستاو آدولف توریت شروع می شود. تلفن تماس: نازنین صدیقی ۰۷۰۴۹۱۴۰۷۲

نروژ- سلو: شرکت در میتینگ و راهپیمایی روز جهانی زن- زمان: سه شنبه ۸ مارس، ساعت ۶، ۱۸ بعد از ظهر- مکان: یونگس تورگت-

تلفن برای اطلاعات بیشتر: ۹۸۱۶۹۴۰۰۱- برگزار کننده : تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران واحد نروژ

کانادا- تورنتو: محل تجمع و راهپیمایی روز جهانی زن شنبه ۱۲ مارس ۲۰۱۱

OISE Auditorium 252
Bloor St W (St. George Subway Stn.)

تجمع از ساعت ۹ صبح و راهپیمایی بطرف دانشگاه رایرسون ساعت ۱۱ شروع خواهد شد
تماس: ۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

مونترال: سخنرانی مینا احدی در شهر مونترال- مینا احدی از چهره های شناخته شده اپوزیسیون، موسس کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار، سخنگوی سازمان دفاع از حقوق زن، مسول سازمان اکس مسلم در آلمان و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

زمان: یکشنبه ۱۴ مارس ساعت ۶ بعدظهر، مکان: دانشگاه کنکوردا هال بیلدینگ ۱۴۵۵ مزنو اتاق ۴۰۱

1455 de Maisonneuve
Concordia University hall
building room 401

همراه با نمایش اسلاید در باره اعدام و سنگسار- برگزار کننده : کمیته یادمان کشتار زندانیان سیاسی دهه ۶۰ در ایران مونترال، کاناد

ونکور: از شما مدافعین آزادی و برابری زنان دعوت میکنیم که به فراخوان فدراسیون کارگران بریتیش کلمبیا و سازمانهای زنان پاسخ مثبت داده و در کارناوال و گردهم آیی صدمین سال روز جهانی زن در ونکور شرکت کنید. محل تجمع برای

به اطلاع می رسانیم که بمناسبت ۸ مارس روز جهانی زن واحدهای حزب کمونیست کارگری ایران در شهرهای مالمو، استکهلم و گوتنبرگ در راهپیمایی ۸ مارس در این سه شهر شرکت خواهند کرد. ما در صفتی متشکل با شعارهای "سرنگون باد رژیم ضد زن جمهوری اسلامی"، "زنده باد همبستگی با زنان ایران، خاورمیانه و شمال آفریقا" و روابط دیپلماتیک با رژیمهای دیکتاتور و زن ستیز باید خاتمه یابد" در این اعتراضات شرکت خواهیم کرد و بدین ترتیب همراهی خود را با دور نوین مبارزات زنان و مردان آزادیخواه در ایران به نمایش خواهیم گذاشت.

فراخوان ما به همه ایرانیان ساکن این سه شهر این است که در این تظاهرات با ما همراه شوند تا صف حمایت از مبارزات برابری طلبانه زنان ایران را قوی تر کنیم و مردم جهان را به پشتیبانی بیشتر از مردم ایران ترغیب کنیم. جزئیات برنامه های ۸ مارس در این سه شهر به این قرار است:

استکهلم- ۵ مارس برگزاری مراسم ۸ مارس از ساعت ۱۸ تا ۲۴- مکان:

Skärholmens
gymnasium/Skärholmens
Centrum- Ekholsmvägen
31

این مراسم توسط حزب کمونیست ایران و حزب کمونیست کارگری ایران واحد استکهلم برگزار می شود.

۸ مارس شرکت در تظاهرات روز جهانی زن که از ساعت ۱۸ از Södermalmstorg شروع می شود.

تلفن تماس: سیما بهاری ۰۷۰۷۴۳۲۵۴۷

مالمو- ۵ مارس برگزاری مراسم ۸ مارس از ساعت ۱۸ در لوکال ترف هوست واقع در Ystadsvägen 42- طبقه پنجم

۸ مارس شرکت در تظاهرات روز جهانی زن که از ساعت ۱۸ از گوستاو آدولف توریت شروع می شود.

تلفن تماس: فریده آرمان ۰۷۰۳۶۳۸۰۸۸

۱۷ اسفند) روز جهانی شنبه ۵ مارس: میدان ترافالگار (بیرون نشنال گالری)، ۲ تا ۴ بعدازظهر

سه شنبه ۸ مارس: مقابل سفارت جمهوری اسلامی، ۵ تا ۷ بعدازظهر
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - بریتانیا
تماس: ۰۷۵۹۵۰۹۲۴۴۳۴

آمریکا - دالاس

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن

هشت مارس روز جهانی و بین المللی زنان است و امسال مهر همبستگی با زنان و مردم ایران برای سرنگونی حکومت اسلامی بر این هشت مارس حک شده است.

نفس وجود جمهوری اسلامی با آزادی زنان مغایر است. جمهوری اسلامی حکومتی زن ستیز، برپاکننده آپارتاید جنسی، و عامل بیش از سه دهه تحمیل شنیع ترین اذیتها و تحقیرها و شدیدترین سرکوبگریها و بیحقوقی ها به زنان در ایران است. بدون آزادی زن جامعه آزاد نخواهد شد.

از شما انسانهای آزادیخواه و برابری طلب دعوت میکنیم که درگردهمایی که بمناسبت روز جهانی زن برگزار میگردد شرکت نماید.

علیه تبعیض سازمان دفاع از حقوق زن در ایران
از ساعت ۵-۳ بعد از ظهر
زمان: شنبه ۶ مارس ۲۰۱۱
مکان:

Russell creek Park
McDermoot road - Plano
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- سوئد
فوریه ۲۰۱۱

هاویت واخه روبروی کاف هوف نمایشگاه عکس از وضعیت زنان در کشورهای اسلام زده
ایتالیا: نمایش فیلم سنگسار از ثریا. م و سخنرانی مینا احدی در روز ۸ مارس
سنگسار وحشیانه و قرون وسطایی است و یک وسیله مهم در دست حکومت اسلامی و جنبش اسلامی برای مقابله با زنان آزاده ایرانی بوده است.

حکومت اسلامی با سنگسار کردن زنان در خیابانها و با ایجاد ترس و وحشت، پایه های قوانین زن ستیز خود را محکم کرده و بی حقوقی مطلق را بر زنان ایران تحمیل کند. اکنون میلیونها زن و بویژه زنان جوان به پا خاسته و علیه حکومت اسلامی و علیه دخالت مذهب در زندگی خودشان و در دولت و آموزش و پرورش مبارزه میکنند.

نهاد ندا دی به همراه سینما زرو در کشور ایتالیا، به استقبال هشت مارس روز جهانی زن میروند و با نمایش فیلم سنگسار ثریا. م برای اولین بار در کشور ایتالیا و با حضور مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه سنگسار و چهره سرشناس مبارزه علیه سنگسار در دنیا، همبستگی مردم ایتالیا را با زنان ایران به نمایش میگذارد. از همگان دعوت میکنیم در این همایش بزرگ علیه سنگسار و در دفاع از حقوق انسانی زنان، حضور بهم رسانند.

سه شنبه ۸ مارس ۲۰۱۱-۲-۲۴ ساعت ۳۰، ۲۰
محل سینما زرو در شهر پردنونه ایتالیا

انگلیس- لندن
تظاهرات در لندن بمناسبت ۸ مارس

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



اطلاعیه حزب زنده باد انقلاب، زنده باد هشت مارس

هرچیز یعنی محکوم کردن ستم ضد انسانی بر زنان. یعنی اعلام اینکه هیچ توجیهی برای تحقیر و توهین و تعرض به زنان و اعمال محدودیت بر زنان توسط هیچ نیرو و جریانی قابل قبول نیست. یعنی تاکید محکم و قاطع بر این اصل پایه ای و غیر قابل تخفیف که زنان باید از تمام حقوق و امکانات و فرصتهای برابر با مردان برخوردار شوند. قوانین و سنتهای پوسیده و عقب مانده اسلامی و عصر جاهلیت که تحقیر و فرودستی زنان جزء جدایی ناپذیر آنست و محل و تکیه گاه سرمایه داری هار حاکم در ایران است را باید برای همیشه از صحنه جامعه جارو کرد. آزادی همه جانبه زنان از ستم و تحقیر و تبعیض را باید یک هدف مهم و پایه ای انقلاب علیه حاکمین اسلامی اعلام کرد. حجاب اسلامی،

هشت مارس روز جهانی زن را باشکوه و گسترده گرامی بداریم. هشت مارس روز ماست. روز انقلاب. روز مردمی که مصممند خود را از شر حکومت ضد زن و ضد آزادی و ضد انسانیت رها کنند. انقلاب مردم ایران برای در هم کوبیدن حکومت اسلامی که زنده بودن و تداوم خود را هرروز دارد اعلام میکند، باید آزادی بی قید و شرط زنان را بر پرچم خود حک کند و هشت مارس را روز خود اعلام نماید. باید آزادی زنان از آپارتاید جنسی و تبعیضات و بی حقوقی های شنیع حاکم را امر فوری و مبرم خود بداند. ستم و تبعیض نفرت آور علیه زنان و جنایات و توحش سی ساله علیه زنان یک پایه اساسی حکومت اسلامی سرمایه داران است. به زیر کشیدن جمهوری اسلامی قبل از

در همه جا گفتمان هشت مارس را به جریان اندازید. با برپایی یک هشت مارس با شکوه باید انقلاب علیه حکومت اسلامی سرمایه داران را یک گام اساسی به پیش راند.

زنده باد هشت مارس روز جهانی زن زنده باد انقلاب انسانی برای یک جامعه انسانی مرگ بر جمهوری اسلامی حزب کمونیست کارگری ایران ۲۳ فوریه ۲۰۱۱، ۴ اسفند ۱۳۸۹

را محکوم کنید. از حرمت و منزلت زنان و حقوق برابر زن و مرد دفاع کنید. از جدایی مذهب از دولت و از آموزش و پرورش دفاع کنید. آپارتاید و جداسازی جنسیتی را محکوم کنید. حجاب اسلامی را دور بیندازید. دست در دست هم فریاد زنده باد هشت مارس و مرگ بر جمهوری اسلامی را سر دهید. بر در دیوار شعار زنده باد آزادی زنان و زنده باد هشت مارس را بنویسید و



مینا احدی

مردم در مصر و تونس و لیبی و... برای نجات دادن هزاران نفر زنجانی سیاسی و مردم اسیر این حکومت وحشی و آدمکش، برای پایان دادن به فقر و فلاکت و بی حقوقی در ایران، به پا خیزیم و حکومت ضد زن اسلامی را سرنگون کنیم. این به نیروی میلیونی ما امکان پذیر است، اینرا مردم مصر و تونس، و تجارب انقلابات مهم در دنیا اثبات کرده است. متمنانه ترین و بهترین راه پایان دادن به خشونت حکومت اسلامی یک انقلاب متحدانه و عظیم علیه این حکومت است.

به همه زنان آزاده در ایران و به همه مردم ایران درود میفرستیم و از همه دعوت میکنم که برای پایان دادن به روزهای سیاه در زندگی همه ما، یکپارچه به خیابان آمده و اعلام کنیم حکومت ضد زن نمیخواهیم، نمیخواهیم، حکومت اسلامی نمیخواهیم نمیخواهیم. سرنگون باد حکومت ضد زن اسلامی زنده باد آزادی پیش به سوی آزادی مینا احدی-۲ مارس ۲۰۱۱

پیش بسوی سرنگونی رژیم زن... از صفحه ۱

کردن کار این حکومت به خیابان رفته و حکومت ضد زن اسلامی را سرنگون کنیم. هشت مارس امسال باید سوت زن ستیز اسلامی، موقعیت و زندگی میلیونها زن را به سیاهی و تباهی کشانده است.

ندا در ایران یک زن آزاده بود و زندگی و فعالیتهايش، آرزوها و در عین حال مبارزات و انتقاداتش، نمایندگی میلیونها زن در ایران را میبندد. زنانی که هیچگاه حکومت اسلامی را با حجاب و چادر و چاقچور و عقب ماندگی و تحقیر و توهین اسلامی نپذیرفتند و در خانه و مدرسه و دانشگاه، در خیابان و کارخانه و اداره، در همه جا علیه این نگاه مردسالارانه و قوانین و مقررات زن ستیزانه اسلامی جنگیده و قربانی دادند.

هشت مارس روز جهانی زن است و ما میرویم که در یکی از کشورهایی که زن ستیزان در آنجا با شلاق و چوبه دار و با سنگسار و اسید و آخوند و مرده های متحرک، حکومت میکنند، با یک انقلاب انسانی، حکومت متحجران اسلامی را به زیر بکشیم.

این یک واقعه مهم تاریخی است و باید همه ما مرد و زن، پیر و جوان، کارگر و دانشجو، دست به دست هم بدهیم و سه شنبه آینده با عزم جزم تمام

آدم ربائی احزاب حاکم در کردستان عراق را محکوم میکنیم

معرفی کرده است. حزب کمونیست کارگری ایران این آدم ربائی احزاب حاکم در کردستان عراق را شدیداً محکوم میکند و از همه مردم آزاده در همه جا و همچنین احزاب و جریانات سیاسی در عراق و کردستان عراق و از همه نهادهای بین المللی میخواند تا باند های ناسیونالیست و گانگسترهای حاکم در کردستان عراق را برای آزادی فوری این چهار نفر تحت فشار قرار دهند. حزب کمونیست کارگری ایران اعلام میکند که مسئولیت هراتفاقی علیه این چهار نفر به عهده این دو حزب حاکم است.

حزب کمونیست کارگری ایران ۲۵ فوریه ۲۰۱۱، ۶ اسفند ۱۳۸۹

طبق خبری که توسط حزب کمونیست کارگری عراق منتشر شده است، امروز سه نفر از اعضای حزب کمونیست کارگری عراق و حزب کمونیست کارگری کردستان عراق بنام موید احمد، نوزاد بابان و شاخوان ناصح و همچنین خالد مجید یکی از فعالین سیاسی در کردستان عراق، هنگام بازگشت از تظاهراتی در سلیمانیه که علیه احزاب حاکم در کردستان برگزار شده بود، ربوده شده و از سرنوشت آنها خبری در دست نیست. حزب کمونیست کارگری عراق احزاب حاکم در کردستان عراق، حزب دمکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی را، مسئول این آدم ربائی

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهاب دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!